



شمه‌ای از فضائل  
ومناقب

# امام هادی



حسین صادقی - علی تقوی

آن امام همام در سال ۲۲۰ هجری در سن هشت سالگی پس از شهادت پدر بزرگوارش عهده دار امامت و ولایت بر مردم شد و پس از ۳۳ سال امامت در سال ۲۵۴ هجری در سن ۴۱ سالگی در شهر «سامرا» به شهادت رسید.<sup>۳</sup>

در نیمه ذیحجه سال ۲۱۲ هجری در محلی به نام «صریا» فرزندی پاک از سلاله رسول گرامی اسلام ﷺ دیده به جهان گشود و ستاره دیگری در آسمان امامت و ولایت طلوع کرد و بانور خود قلب شیعیان را روشن نمود. نام او «علی» بود که بعدها به القابی همچون «نقی»، «هادی»، «عالم»، «فقیه»، «امین» و «طیب» مشهور گشت. به آن حضرت «ابوالحسن ثالث»<sup>۱</sup> و «علی رابع»<sup>۲</sup> نیز می‌گویند. پدر بزرگوارش امام جواد علیؑ پیشوای نهم شیعیان و مادر گرامی اش «سمانه» نام دارند.

۱- امام موسی بن جعفر علیؑ را ابوالحسن اول و امام رضا علیؑ را ابوالحسن ثانی می‌گویند.  
۲- علی بن ابی طالب علیؑ را علی اول و علی بن حسین علیؑ را علی ثانی و علی بن موسی الرضا علیؑ را علی ثالث می‌گویند.  
۳- ر.ک: الإرشاد، شیخ مفید، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ص ۳۲۷ و بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء، ج ۵۰، ص ۱۱۳.

نمی‌کردند. اوج این جنایات در زمان متوکل عباسی بود، چرا که متوکل بغض و کینه شدیدی نسبت به اهل بیت علیهم السلام داشت و پیروان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام را مورد شکنجه و آزار قرار می‌داد و یا به قتل می‌رسانید.

ابن اثیر از مورخین اهل سنت می‌گوید: «كَانَ الْمُتَوَكِّلُ شَدِيدَ الْبُغْضِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَلَا أَهْلَ بَيْتِهِ وَكَانَ يَفْضِدُ مَنْ يَبْلُغُهُ عَنْهُ أَنَّهُ يَقُولُ عَلِيًّا وَأَهْلَهُ بِأَخَذِ الْمَالِ وَاللَّذْمِ؛ متوکل نسبت به علی بن ابی طالب و اهل بیت او بغض شدیدی داشت و اگر به او خبر می‌دادند کسی علی و اهل بیتش را دوست دارد، قصد مال و جانش را می‌کرد.»<sup>۱</sup>

ابو الفرج اصفهانی از دیگر مورخین اهل سنت می‌نویسد: متوکل شخصی به نام «عمر بن فرج خجی» را بر حکومت مدینه و مکه گماشت، او آل ابی طالب را از معامله با مردم منع می‌کرد تا حدی که اگر می‌شنید کسی به آن‌ها کوچک‌ترین خدمتی کرده، شکنجه و جریمه‌ای سنگین برای او

دوران امامت آن حضرت با خلافت چند تن از حکام عباسی مقارن بود که به ترتیب عبارتند از:

- ۱- معتصم، برادر مأمون (۲۱۷-۲۲۷)
- ۲- واثق، پسر معتصم (۲۲۷-۲۳۲)
- ۳- متوکل، برادر واثق (۲۳۲-۲۴۸)
- ۴- منتصر، پسر متوکل (۶ ماه)
- ۵- مستعین، پسر عموی منتصر (۲۴۸-۲۵۲)

- ۶- معتر، پسر دیگر متوکل (۲۵۲-۲۵۵)

در این دوران، ظلم و جور و غارت بیت المال در دستگاه حکومت رواج داشت و خلفای عباسی به جای برطرف کردن مشکلات مردم و رفع حوائج آنان، به خوش گذرانی و میگساری می‌پرداختند و اموال بیت المال را در این راه به تاراج می‌بردند. از طرف دیگر حکام عباسی چون موقعیت خود را متزلزل و ناپایدار می‌دیدند، از طرف علویان احساس خطر می‌کردند، از این رو با ایجاد نفرت نسبت به علویان آنان را تحت فشار قرار داده و از هر گونه ظلم و جنایت نسبت به آنان خودداری

۱- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، دار صادر، ج ۷، ص ۵۶.

قرار می‌داد.

سپس می‌گوید: «حَتَّىٰ كَانَ الْقَمْبُصُ يَكُونُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ الْعُلُوِّيَّاتِ يَصَلِّينَ فِيهِ وَاحِدَةً بَعْدَ وَاحِدَةٍ ثُمَّ يَرْفَعُهُ وَيَجْلِسْنَ عَلَىٰ مَفَازِهِنَّ عَوَارِي حَوَاسِرَ؛ کار به جایی رسید که زن‌های علویّه بخاطر نداشتن لباس مجبور بودند به هنگام نماز با یک لباس به تناوب نماز بخوانند و بعد از نماز آن لباس را [که دست بافته خودشان بود] زیر خود می‌انداختند و بدون لباس بر روی آن می‌نشستند.»<sup>۱</sup>

از دیگر جنایات هولناک در این زمان، تخریب مقبره حضرت سید الشهداء، امام حسین علیه السلام و هموار کردن زمین‌های اطراف آن و زراعت بر روی آن بود که به دستور متوکل انجام گرفت. مورخین بزرگ این حادثه اسفبار را در حوادث سال ۲۳۶ هجری بیان نموده‌اند.<sup>۲</sup>

### أسوه‌های فضیلت

امامان معصوم و هدایت‌گران الهی به راستی در اوج کمال و فضائل انسانی قرار دارند، مقامی که نه تنها رسیدن به آن بلکه درک آن برای انسان‌های عادی، کاری سخت و

دشوار است، چرا که با حس و عقل قاصر نمی‌توان به دنیای ماورای طبیعت وارد شد و واقعیات و حقایق آن را لمس نمود. امام رضا علیه السلام در جواب شخصی که از مقام و منزلت «امام» سؤال کرد فرمودند: «إِنَّ الْأَمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا وَأَعْلَىٰ مَكَانًا وَأَمْسَعُ جَانِبًا وَأَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوا بِأَرَائِهِمْ أَوْ يَقِيمُوا إِيَّامًا بِاخْتِيَارِهِمْ؛ همانا امامت منزلتی جلیل‌تر و شأنی عظیم‌تر و مکانی رفیع‌تر و اطلاع‌پیدا کردن به جوانب آن مشکل‌تر و غور در حقیقت آن بالاتر از آن است که مردم با عقل خود به آن برسند و با افکار خود به آن دست پیدا کنند و به اختیار خود کسی را به امامت برگزینند.»<sup>۳</sup>

### فضائل و مناقب امام هادی علیه السلام

با توجه به آنچه گفته شد، اگر چه از بسیار تمام فضائل و مناقب امام هادی علیه السلام عاجزیم و ناتوان؛ ولی با بیان

۱- مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، المطبعة الحیدریة، ص ۵۹۸.

۲- الکامل فی التاریخ، همان، ص ۵۵.

۳- اصول کافی، مرحوم کلینی، مکتبة الصدوق، ج ۱، ص ۱۹۹.

مورد ائمه اطهار علیهم السلام تعبیراتی همچون «عِنْدَهُمْ عِلْمُ الْكِتَابِ»<sup>۳</sup> و «الْأَرْضِ حَقٌّ فِي الْعِلْمِ»<sup>۴</sup> و «أَهْلُ الدُّكْرِ»<sup>۵</sup> به کار رفته است و مفسرین بزرگ، مصادیق این آیات را امامان دین بر شمرده‌اند.

حال یکی از ویژگی‌های بارز امام هادی علیه السلام احاطه علمی ایشان است به حدی که متوکّل با تمام بغضی که نسبت به اهل بیت علیهم السلام داشت، در موارد زیادی برای حلّ مشکلات علمی به امام علیه السلام مراجعه می‌نمود. برای نمونه مورخین نوشته‌اند:

هنگامی که متوکّل مسموم شد، نذر کرد که اگر سلامتی پیدا کند مال زیادی را صدقه بدهد. هنگامی که از مسمومیت، رهایی پیدا کرد از فقهایی که در دربارش بودند از حدّ و مقدار مال کثیر سؤال کرد. بعضی از آن‌ها گفتند: منظور از کثیر ۱۰۰ هزار است و

شمه‌ای از آن فضائل ناب، وجود خود را از بوی خوش آن عطر آگین می‌کنیم و صفحه سیاه دل خود را با نور آن روشنی می‌بخشیم.

### علم امام

بدیهی است که علوم ائمه علیهم السلام موهبتی و لدنی است و از ذات حق تعالی و از خزینة علم الهی سرچشمه می‌گیرد، چنان که از امام هادی علیه السلام نقل شده است: «إِسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ ثَلَاثَةٌ وَسَبْعُونَ حَرْفًا وَ إِنَّمَا كَانَ عِنْدَ أَصْفِ حَرْفٍ وَاحِدٍ فَتَكَلَّمُ بِهِ فَأَنْحَرَقَ لَهُ الْأَرْضُ... وَ عِنْدَنَا مِنْهُ إِثْنَانٌ وَ سَبْعُونَ حَرْفًا وَ حَرْفٌ وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ مُتَأَثِّرٌ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ؛ اسم اعظم خداوند هفتاد و سه حرف است و همانا آصف بن برخیا (یکی از بندگان صالح خدا)<sup>۱</sup> یک حرف از آن را می‌دانست که به آن یک حرف تکلم می‌کرد و زمین بر او شکافته می‌شد (می‌توانست طی الارض کند و فاصله زیادی را در زمان کمی طی کند)... و حال آن که هفتاد و دو حرف از آن نزد ما است و یک حرف دیگر مخصوص خداوند و در علم غیب محفوظ است.»<sup>۲</sup>

به همین دلیل در آیات قرآن در

۱- کسی که تخت بلقیس را کمتر از یک چشم به هم زدن نزد سلیمان علیه السلام حاضر کرد.

۲- مناقب ابن شهر آشوب، دار الأضواء، ج ۴، ص ۴۳۷.

۳- رعد/ ۳۳.

۴- آل عمران/ ۶.

۵- نحل/ ۴۵.

بعضی گفتند: ۱۰ هزار و بعضی دیگر اقوال مختلفی را بیان کردند به حدی که امر بر متوکل مشتبه شد. یکی از ندیمان او به نام صفوان (جعفر بن محمود) گفت: چرا از امام هادی علیه السلام نمی‌پرسی؟ متوکل گفت: آیا او چیزی در مورد این مطلب می‌داند؟ صفوان گفت: اگر او توانست تو را از این تردید خارج کند باید به من فلان مقدار پول بدهی ولی اگر نتوانست جواب تو را بدهد صد ضربه تازیانه به من بزن. متوکل گفت: با این کار موافقم، نزد ایشان برو و از حد مال کثیر سؤال کن.

صفوان به نزد آن حضرت رفت و از حد مال کثیر سؤال کرد، آن حضرت فرمود: «الْكَثِيرُ كَمَا تَوْنُ؛ حَدٌّ كَثِيرٌ ۸۰ است.» صفوان عرض کرد: «يَا سَيِّدِي يَسْأَلُنِي عَنِ الْعِلَّةِ فِيهِ؛ أَي سُرُورٍ مِنْ! درباریان از علت این حکم از من سؤال خواهند کرد.» امام علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ» فَأَعَدَّ لَنَا تِلْكَ الْمَوَاطِنَ فَكَأَنَّا تَمَانِينُ؛ خداوند عز و جل می‌فرماید: خدا شما را در مکان‌های زیادی یاری کرد، و ما آن مکان‌ها را شمرديم، هشتاد تا بود.»<sup>۲</sup>

شاهد دیگر بر عظمت علمی آن حضرت امام همام این بود که ایشان با وجود شرائط نامناسب و محاصره بودن در چنگال خلفای پلید عباسی، راویان و محدثان و بزرگانی از شیعه را تربیت نمود و علوم و معارف اسلامی را به آنان آموزش داد و آنان این میراث بزرگ فرهنگی را به نسل‌های بعدی منتقل کردند. شیخ طوسی - دانشمند نامدار اسلام - تعداد شاگردان آن حضرت در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی را ۱۸۵ نفر معرفی می‌کند که در میان آنها چهره‌های درخشانی همچون: فضل بن شاذان، عبدالعظیم حسنی، حسین بن سعید اهوازی و علی بن مهزیار، به چشم می‌خورد و برخی از آنان دارای آثار و تألیفات ارزشمندی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی هستند.<sup>۳</sup>

### بزرگی و عظمت

یکی از امور مسلم در فرهنگ

۱- توبه / ۲۵.

۲- مناقب ابن شهر آشوب، همان، ص ۴۳۴؛ حلیة الأبرار، بحرانی، مؤسسة المعارف الإسلامية، ج ۵، ص ۲۰ و بحار الانوار، همان، ج ۱۰۴، ص ۲۱۷.

۳- رجال الطوسی، منشورات رضی، ص ۴۰۹.

اسلامی این است که هر چقدر خوف خدا در دل انسان بیشتر تجلی یابد و در اعمال و رفتار او آشکار شود، خداوند موجودات دیگر را در پیشگاه او خاضع و خاشع می‌گرداند و عظمت و بزرگی او نزد دیگران نمایان‌تر می‌شود. در حدیثی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: «مَنْ اتَّقَى اللَّهَ أَهَابَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ؛ هر کسی تقوای الهی پیشه سازد خداوند هر موجودی را از او به ترس و وحشت می‌اندازد.»<sup>۱</sup> از این رو یکی از خصوصیات بی‌نظیر ائمه علیهم السلام این بود که علی‌رغم بهره‌مند نبودن از امکانات و ابزار مادی و قدرت نظامی، چنان عظمت و هیبتی داشتند که حاکمان و صاحبان قدرت با وجود داشتن سلاح‌های متعدد و سربازان بی‌شمار، از ائمه علیهم السلام هراسان و بیمناک بودند و هنگام مواجه شدن با ایشان، رعب و وحشت، آنان را فرا می‌گرفت. امام هادی علیه السلام با این‌که در دوران خفقان به سر می‌بردند و هیچ قدرت سیاسی و نظامی در اختیار نداشتند؛ چنان هیبت و عظمتی از ایشان در دل حاکمان و والیان عباسی

بود که همواره در خوف و هراس بودند و در مقابل آن حضرت خاضع و متواضع می‌گشتند. برای نمونه به داستانی از «یحیی بن هرثمه»، یکی از والیان متوکل عباسی اشاره می‌کنیم:

یحیی که از جانب متوکل برای دستگیری امام هادی علیه السلام و آوردن ایشان از مدینه به سامرا مأمور شده بود چنین می‌گوید: «به مدینه رفتم، همین که وارد شهر شدم تا امام هادی علیه السلام را دستگیر کنم، مردم از نگرانی برای آن حضرت گریان شده و شیون سر دادند. هنگامی که وارد خانه ایشان شدیم جز کتاب‌های قرآن و ادعیه و نامه‌های علمی چیز دیگری ندیدیم. در این حال چنان عظمتی از امام در دلم افتاد که دوست داشتم خادم او شوم. وقتی که او را وارد بغداد کردم، نزد والی بغداد «اسحاق بن ابراهیم الطاهری» رفتیم، او به من گفت: ای یحیی! این مرد فرزند رسول خداست و متوکل هم انسان بدی است، اگر ایشان را نزد متوکل ببری او را خواهد کشت و در

۱- کنز العمال، متقی هندی، ح ۵۸۸۳۰.

این صورت رسول خدا دشمن تو در روز قیامت خواهد بود. پس او را به «سامرا» نزد حاکم آن شهر «وصیف ترکی» بردم، او به من گفت: اگر مویی از او کم شود جز تو کسی گنهکار و مقصر نخواهد بود. پس او را به نزد متوکل بردم و شمه‌ای از فضائل او را پیش متوکل بیان نمودم.<sup>۱</sup>

همچنین اربلی از محدثین و مورخین بزرگ می‌گوید: امام در سامرا از چنان شخصیت والا و عظمت روحی برخوردار بود که همگان در مقابل وی فروتنی نشان می‌دادند و ناخواسته در برابرش تواضع کرده و سخت محترمش می‌داشتند.<sup>۲</sup>

### زهد و پارسایی

یکی از عواملی که مانع رشد و تکامل انسان می‌شود و او را از رسیدن به قلّه‌های سعادت باز می‌دارد، وابستگی بیش از حد به ظواهر و جاذبه‌های مادی و دنیوی است، از این رو هر چقدر انسان بتواند تعلق خود را به دنیا کم کند در حقیقت اسباب ترقی روح و نفس خود را فراهم نموده است. در این راه انسان می‌تواند به

جایی برسد که به جز خدا هیچ چیز دیگری در نظرش جاذبه نداشته باشد، چنان که امام صادق علیه السلام در مورد عبادت خود می‌فرماید: «وَلِكُنِّي أُعْبِدُهُ حُبًّا لَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَتِلْكَ عِبَادَةٌ الْكِرَامِ؛ و همانا من خدا را عبادت می‌کنم بخاطر حب او (نه بخاطر طمع ثواب و از ترس عقاب)، پس این نوع عبادت، عبادت بزرگواران است.»<sup>۳</sup>

امام هادی علیه السلام در بی‌رغبتی به دنیا و زهد و پارسایی چنان بود که دوست و دشمن را به تحسین و ستایش وامی‌داشت. «یحیی بن هرثمه» یکی از خدمت‌گذاران دربار متوکل عباسی، بدون هیچ ترس و واهمه‌ای از عواقب کار، لب به ستایش آن حضرت می‌گشاید و می‌گوید: «فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَى الْمُتَوَكِّلِ، سَأَلَنِي عَنْهُ فَأَخْبَرْتُهُ بِحُسْنِ سِيرَتِهِ وَ سَلَامَةِ طَرِيقَتِهِ وَ وَرَعِهِ وَ زَهَادَتِهِ؛ وقتی که بر متوکل وارد شدم، در مورد امام هادی علیه السلام از من سؤال نمود، من به

۱- تذکرة الخواص، ابن جوزی، مکتبه نبوی، ص ۳۶۰.

۲- کشف الغمّة، اربلی، ج ۲، ص ۳۹۸.

۳- بحار الانوار، همان، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

اهتمام ورزید تبلیغ دین در ابعاد مختلف و با شیوه‌های متنوع بود. در ذیل به برخی از شیوه‌های تبلیغی آن امام می‌پردازیم.

#### ۱- پند و ارشاد

امام هادی علیه السلام با وجود این که مدت زیادی از عمر شریفشان را در سامرا و تحت سلطه حکام عباسی بودند، لحظه‌ای از هدایت و ارشاد مردم دست بر نمی‌داشتند و در موقعیت‌های گوناگون و به طرق مختلف به مردم آگاهی می‌دادند و در این راه حتی از حاکمان و والیان ابایی نداشتند و آنان را مورد پند و اندرز و ارشاد قرار می‌دادند، و به راستی از مصادیق بارز «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»<sup>۱</sup> بودند، و به گفته امیر مؤمنان علی علیه السلام «عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ؛ [متقین این گونه‌اند که] آفریدگار جهان، در روح و

متوکل از حسن رفتار و درستی راه و ورع و زهد آن حضرت خبر دادم.»<sup>۱</sup> با وجود این که آن حضرت می‌توانست زندگی مرفه و راحتی داشته باشد، ولی در کمال بی‌رغبتی به دنیا زندگی می‌کرد. «ابی الفداء»، «صفدی» و دیگر مورخین اهل سنت می‌نویسند: وقتی عمال متوکل به خانه امام هجوم آوردند تا خانه آن حضرت را تفتیش کنند، «فَوَجَدُوهُ فِي بَيْتٍ وَخَدَّةٍ مُغْلَقَةٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِ مِدْرَعَةٌ مِنْ سَعْمٍ وَلَا يَسَاطُ فِي الْبَيْتِ إِلَّا الرَّمْلُ وَالْحَصَى؛ او را دیدند که به تنهایی در خانه نشسته و در راه روی خود بسته و لباس پشمینه‌ای پوشیده بود و در خانه زیراندازی جز شن و سنگ ریزه نبود.» همچنین مورخان ادامه داده‌اند که: «وَعَلَى رَأْسِهِ مَلْحَفَةٌ مِنَ الصُّوفِ مُتَوَجَّهًا إِلَى رَبِّهِ يَتَرَنَّمُ بِآيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ فِي الْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ؛ بر سر آن حضرت پارچه‌ای پشمی بود و در حالی که توجّه کامل به خدای خویش داشت آیاتی از قرآن در مورد وعد و وعید را با صدای زیبا قرائت می‌کرد.»<sup>۲</sup>

#### تبلیغ و ارشاد مردم

از جمله کارهای اساسی که امام هادی علیه السلام در طول حیات خویش بدان

۱- تذکرة الخواص، همان، ص ۳۶۰.

۲- مروج الذهب، مسعودی، دار الاندلس، ج ۴، ص ۱۱ و تاریخ ابی الفداء، دار الکتب العلمیة، ج ۱، ص ۳۶۰ و الوافی بالوفیات، صفدی، النشرات الاسلامیة، ج ۲۲، ص ۷۲.

۳- احزاب / ۳۹: «از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند.»



۵- فَأَضْفَحَ الْقَبْرَ عَنْهُمْ حِينَ سَأَلْتَهُمْ  
تَسْأَلُكَ السُّجُودَ عَلَيْهَا الدَّوْدُ تَنْتَقِيلُ

۶- قَدْ طَالَ مَا أَكَلُوا ذَهْرًا وَمَا شَرِبُوا  
فَأَضْبَحُوا بَعْدَ طَوْلِ الْأَكْلِ قَدْ أَكَلُوا  
۱- بر بلندای کوه‌ها شبانگهان

زندگی کردند در حالی که مردان چیره و  
نیرومندی از آن‌ها حفاظت می‌کردند، ولی  
آن قلّه کوه‌ها برایشان سودی نبخشید.

۲- بعد از آن عزّتی که داشتند از  
پناهگاه‌هایشان پایین کشیده شدند و در  
زیر حفره‌های قبر قرار گرفتند و چه بد  
منزل و اقامگاهی است.

۳- بعد از آن که در قبرهایشان قرار  
گرفتند، فریادزنی بر آن‌ها بانگ زد: کجا  
رفت آن دست بندها و تاج‌ها و لباس‌های  
فاخر.

۴- کجا رفت آن چهره‌ها که با ناز و  
نعمت پرورش یافته و مقابل آن‌ها پرده‌های  
گران‌بها آویخته شده بود.

۵- قبرهای آن‌ها به جای آن‌ها پاسخ  
می‌دهند: آن چهره‌ها هم اکنون محلّ آمد و  
شد کرم‌ها شده‌اند.

۶- عمرهای دراز، خوردند و

جانشان بزرگ است و به این خاطر هر چه  
غیر اوست در چشمشان حقیر است.»<sup>۱</sup>

مورّخین نقل کرده‌اند: روزی متوکل  
دستور داد که امام هادی علیه السلام را به نزد او  
بیاورند، وقتی امام به مجلس متوکل وارد  
شد، او ظرف شرابی در دست داشت و بعد  
از آن که آن حضرت را در کنار خود جای  
داد، پیاله‌ای از شراب به طرف ایشان گرفت  
و گفت: بنوش. امام علیه السلام امتناع ورزید و  
فرمود: گوشت و خون من تا به حال با  
شراب آلوده نشده است. آنگاه متوکل  
درخواست کرد تا آن حضرت شعری - که  
او را به وجد آورد - برایش بخواند. امام علیه السلام  
فرمود: من کمتر شعر می‌خوانم. اما متوکل  
اصرار ورزید و آن حضرت این اشعار را  
برایش خواند:

۱- يَا تَوَّابُ عَلَيَّ قَسَلِي الْأَجْبَالِ تَحْرِسُهُمْ  
غُلِبَ الرَّجَالِ فَمَا تَنْفَعُهُمُ الْقُلَلُ

۲- وَاسْتَنْزَلُوا بَعْدَ عِزٍّ مِنْ مَعَالِيهِمْ  
فَأَوْدَعُوا حُفْرًا يَا بَيْتَسَ مَا نَزَلُوا

۳- نَادَاهُمْ ضَارِبٌ مِنْ بَعْدِ مَا قَبِرُوا  
أَيِّنَ الْأَسَاوِرِ وَالْتِبِجَانِ وَالْحُلَلِ

۴- أَيِسَ السُّجُودِ الَّتِي كَانَتْ مُتَعَمَّةً  
مِنْ دُونِهَا تَضْرِبُ الْأَسَاوِرَ وَالْكُلَلِ

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

بن نصیر، ابوالعباس طرفانی و ابو عبدالله کندی در میان آنان به چشم می‌خورند.<sup>۳</sup> امام علیه السلام برای برخورد با آنان و جلوگیری از انحراف مردم با این گروه به شدت برخورد می‌کردند و با ارسال نامه‌هایی به نقاط مختلف، مردم را از پیروی آنان بر حذر می‌داشتند و در بعضی اوقات دستور قتل آنان را صادر می‌کردند.

برای نمونه: «ابن بابای قمی» یکی از غالیانی است که امام هادی علیه السلام از او بیزار می‌جسته و فرموده است: «او (ابن بابا) گمان می‌کند که من او را به مقام نبوت برانگیخته‌ام و او باب من است (یعنی مردم از طریق او به امام نزدیک شوند)، لعنت خدا بر او باد که شیطان او را گمراه کرده است. سپس خطاب به یکی از شیعیان فرمودند: اگر توانستی او را بکش که مرا آزرده است.»<sup>۴</sup>

۱- مروج الذهب؛ همان؛ وفيات الأعیان، ابن خلکان، شریف رضی، ج ۳، ص ۲۷۲؛ بحار الانوار، همان، ج ۵۰، ص ۲۱۱ و الوافی بالوفیات، همان.  
 ۲- قصار الحكم، ۱۱۷.  
 ۳- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، مرکز جهانی علوم اسلامی، ص ۵۲۵.  
 ۴- اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، دانشگاه مشهد، ص ۵۲۰.

آشامیدند و اکنون پس از آن همه عیش و نوش خودشان خورده شده‌اند.»

امام علیه السلام با این اشعار تمامی حاضران را تحت تأثیر قرار داد و متوکل که از شدت گریه، اشک صورتش را فرا گرفته بود، دستور داد که بساط شراب را برچینند، سپس دستور داد امام را با احترام به خانه‌اش باز گردانند.<sup>۱</sup>

## ۲- برخورد با غالیان

امامان شیعه علیهم السلام علاوه بر دشمنان بیرونی با یک مشکل بزرگتری هم مواجه بودند و آن وجود کسانی بود که با دیدن کرامات و فضائل ائمه علیهم السلام در مورد آنان دچار نوعی انحراف و کج اندیشی شده و راه غلو را پیش می‌گرفتند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هَلَكَتْ فِی رَجُلَانِ؛ مُحِبِّ غَالٍ وَ مُبْغِضِ قَالٍ؛ دو کس در مورد من هلاک شدند؛ دوست غلو کننده و دشمن بدخواه.»<sup>۲</sup>

از مشکلات بزرگی که امام هادی علیه السلام نیز با آن مواجه بودند، وجود غالیان کج اندیشی بود که با مشاهده عظمت و کرامات آن حضرت، راه غلو را در پیش گرفتند و باعث بدبینی مردم نسبت به اهل بیت علیهم السلام شدند. کسانی مانند: علی بن حسکه، محمد

توسط افراد مطمئن و به صورت مخفیانه با آن حضرت در ارتباط بودند که بخش عمده آن در مصادر حدیثی (به نقل از نامه‌ها) موجود است و امروزه در دسترس ما قرار گرفته است.

#### ۴- تبلیغ و ارشاد در قالب دعا

شرایط زمانی و موقعیت خاص امام هادی علیه السلام اقتضا می‌کرد که برای پیشبرد اهداف عالی و نشر تعالیم ناب و حیات بخش اسلام از روش‌های غیرمستقیم اقدام نمایند. یکی از روش‌های حکیمانه و تأثیرگذار ایشان استفاده از دعا برای انجام این امور مهم بود. امام علیه السلام در دعاهایی که به ایشان منسوب است - مخصوصاً «زیارت جامعه» - علاوه بر راز و نیاز به درگاه خداوند به پاره‌ای از مسائل اعتقادی، سیاسی و اجتماعی اشاره دارند که به ذکر نمونه‌هایی از آن اکتفا می‌کنیم:

الف) ایجاد پیوند میان مردم و

#### اهل بیت علیهم السلام

آن حضرت در دعاهای خود علاوه بر صلوات‌های مکرر بر محمد و آل او علیهم السلام، نسبت به ارتباط محکم و ناگسستنی میان

۱- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم حسین، امیرکبیر، ص ۱۳۷.

#### ۳- گسترش تعالیم اسلام بواسطه وکلا

دوران امامت پیشوای دهم شیعیان از طرفی با یک اختناق و خفقان شدید از طرف حکام عباسی مقارن بود به طوری که فعالیت‌های شیعیان با برخوردهای شدیدی از طرف حکومت‌های وقت مواجه می‌شد و پیروان اهل بیت مورد قتل و شکنجه و آزار قرار می‌گرفتند. از طرف دیگر شیعیان در سرتاسر بلاد اسلامی پراکنده بوده و نیازمند برقراری ارتباط با امام خویش بودند. به همین منظور امام علیه السلام از طریق وکلای خود در نقاط مختلف مشکلات فقهی، کلامی شیعیان را برطرف می‌نمودند و آنان را از هدایت‌های حکیمانه خود بهره‌مند می‌ساختند و به تحکیم و تثبیت پایه‌های اعتقادی مردم می‌پرداختند. چنان که از متون تاریخی استفاده می‌شود شهرهایی که وکلای امام در آن‌ها اقامت داشتند به چهار منطقه تقسیم می‌شد:

الف) بغداد، مدائن، سواد و کوفه؛

ب) بصره و اهواز؛

ج) قم و همدان؛

د) حجاز، یمن و مصر.<sup>۱</sup>

وکلای امام، بیشتر از طریق نامه

کردن مردم نسبت به ظلم و ستم حاکم بر جامعه می‌پردازند. در فرازی از این دعا آمده است: «فَأَسْأَلُكَ يَا نَاصِرَ الْمَظْلُومِ الْمُنْبَغِيَّ عَلَيْهِ إِجَابَةَ دَعْوَتِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ خُذْهُ مِنْ مَأْمَنِهِ أَخَذَ عَزِيزٌ مُقْتَدِرٌ وَ فِي غَفْلَتِهِ مُفَاجِئَةٌ مَلِيكٌ مُنْتَصِرٌ وَ أَسْأَلُكَ بِنِعْمَتِهِ وَ سُلْطَانَتِهِ وَ أَفْضَلِ عُنْتِهِ جُمُوعَهُ وَ أَعْوَانَهُ وَ مَرْقٍ مُلْكِهِ كُلِّ سَمْرَقِي؛ ای یاری رسان مظلوم ستم‌دیده، از تو می‌خواهم دعوت‌م را اجابت کنی، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و ظالم را از محل‌آمنش بگیر، از نوع عذاب کردن عزیز قادر، و در غفلتش به ناگهانی او را بگیر و نعمت و سلطنتش را از بین ببر، و کسانی که دور او جمع شده‌اند و اعوان و انصار او هستند را از دور او پراکنده کن و حکومتش را تماماً از هم بپاش.»<sup>۳</sup>

روشن است که امام علیه السلام با امثال این دعا مردم را نسبت به ظلم حاکمان جور آگاه می‌کردند و حاکمان را رسوا می‌نمودند.

امت و آل محمد علیهم السلام تأکید خاصی دارند، چنان که در فرازی از دعاهای خود می‌فرماید: «اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لَا تَقْطَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اجْعَلْ عَمَلِي بِهِمْ مُتَقَبَلًا، پروردگارا! درود فرست بر محمد و آل محمد علیهم السلام و ارتباط میان من و ایشان را در دنیا و آخرت قطع مفرما و اعمال مرا به خاطر ایشان قبول فرما.»<sup>۱</sup>

(ب) تأکید بر امامت و رهبری

اهل بیت علیهم السلام

در زیاراتی که از امام هادی علیه السلام روایت شده با تعابیر گوناگونی بر این امر مهم تأکید گردیده است، چنان که در فرازی از زیارت آن حضرت می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْإِمَّةَ الزَّاهِدُونَ، الْمَهْدِيُّونَ، الْمَعْصُومُونَ، الْمَكْرُمُونَ، الْمُتَمَرِّضُونَ، الْمُتَّقُونَ، الضَّادِقُونَ، الْمُصْطَفُونَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ؛ گواهی می‌دهم که شما امامان مرشد، هادی، معصوم، بزرگوار، مقرب نزد خدا، پرهیزگار، راستگو، برگزیده و مطیع خداوند هستید.»<sup>۲</sup>

(ج) مبارزه با ظلم و ستم

امام علیه السلام در دعایی با نام «دعاء المظلوم علی الظالم» که به طور مستقل بر ضد ستم و جور ستمگران و جباران بیان شده، به آگاه

۱- مسند الامام الهادی، عزیز الله عطاردی، کنگره جهانی امام رضا، ص ۱۸۷.  
 ۲- مسند الامام الهادی، همان، ص ۲۴۷.  
 ۳- همان، ص ۱۸۹.